

● اگر حاج احمد آقا زنده بودند کاری می کردند تا کلیه نیروهای انقلابی و آنها که در رأس تفکرشان امام، انقلاب و مصلحت واقعی ملت است در این صحنه های سیاسی حضور فعال داشته باشند.

دقت تمام، مطالب را تحمل می کرد. در همان زمان، هیچگونه عکس العمل و یا اظهارنظری نمی کرد ولی بعد با تجزیه و تحلیل خود، کمال استفاده از آن نظرات را می کرد و یا به رفع اشکالات می پرداخته، به عنوان مثال. درباره وقایع مربوط به برکناری قائم مقام رهبری، من با ایشان صحبت های داشتم که منجر شد به اینکه ایشان، «رنجنامه امام» را در پاسخ به صحبت های آن روز من تدوین کنند و به ضمیمه آن نامه ای برایم فرستادند. در آن نامه متذکر شده بودند که صحبت های تو موجب شد به تهیه این رنجنامه اقدام کنم تا شبهات از ذهن عاشقان امام زدوده شود. آن نامه راه من هنوز نگه داشته ام چون بسیار دلسوزانه و مظلومانه است.

با توجه به این خصوصیات اخلاقی می دانست وجود نیروهای مفید و دلسوز با تفکرات متضاد در مسایل فرعی، برای پخته تر شدن تصمیمات کشوری لازم است. به همین دلیل سعی می کرد در جامعه، فضای آزاد سیاسی در چارچوب انقلاب اسلامی و اصول انقلاب حاکم باشد.

دومین فعالیت چشمگیر و پر مخاطره ایشان این بود که اجازه ندهند گروه های ضدانقلاب، - که یا مستقیماً وابسته به شرق بودند امثال حزب توده و منافقین، و یا با نوع تفکر خود، کشور را در دامن دشمن می انداختند مثل لیبرال های خوبداخته - در صحنه سیاسی کشور جایی داشته باشند، به همین دلیل، قوی ترین کسی که توانست لیبرال ها و منافقین را از پست های سیاسی این نظام کنار گذارد و کشور را از چنگال آنها نجات دهد کسی جز «احمد» نبود. همین دیدگاه ایشان بود که موجب شد پس از رحلت امام نیز با جدیت تمام بر اصول اساسی انقلاب تکیه کند تا دشمن نتواند با احیا و تقویت بعضی از این گروه ها، دوباره با به میدان سیاست کشور نهد. لذا، احمدجان قدم به قدم به همراه رهبری بر لزوم تداوم قطع رابطه با آمریکا و سرکردگان استعمار تأکید می کرد و همواره در سخنرانی های خود بر وحدت و جلوگیری از انحراف نسبت به اصول انقلاب و ولایت فقیه تکیه می نمود.

جای ایشان، امروز بسیار خالی است تا نقش خود را ایفا کند.

میزگردی پیرامون

زنان و نقش آنان در مجلس

اشاره

زنانه نیمی از پیکره خلقت به شمار می روند و مردان بزرگ را در دامان خویش می پروراند. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت مبین اسلامی ما را نیزه زنان تشکیل می دهند؛ زنانی که نه تنها در جریان پیروزی انقلاب، بلکه در تمامی مراحل و فرز و تنبیه های آن، با انقلاب اسلامی همراه بوده اند و سعی نمودند تا تمام وجود در خدمت انقلاب باشند و باری، از دوش انقلاب بردارند.

زنان مبین اسلامی ما، برای دست پائین به حقوق حقه خویش، سوانح زیمادی را پشت سر گذارده اند و نیاز به تعصبی که از جنس خود دارند که حقوق اسلامی و انسانی آنها را خنثی و یا فراهم کردن بستر مناسب برای تصویب قوانین مورد نیاز، نشان دهند اسلام انسان ساز، هیچ تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست.

فرا رسیدن ایام انتخابات و داغ شدن بحث مجلس و نمایندگی، مسأله حساسی بود تا با تشکیل میزگردی پیرامون نقش زنان در مجلس در تصویب قوانین مربوط به آنها، ضرورت تشکیل کمیسیون بانوان در مجلس، ویژگی های لازم برای نمایندگان و شرایط لازم برای برگزاری انتخابات سالم، حرف ها و نقطه نظرهای سرکار خانم صالحه سرکار خانم شجاعی، و سرکار خانم جلودارزاده را در پاسخ به پرسش های سرکار خانم احراری، عضو هیأت تحریریه نگاه شومیم

خانم داغ:

سرکاره الرحمه الرحیمه

«در مجال تعصب مما اکتسب و لنساء مما اکتسبن»

خداوند تعال در قرآن کریم، در رابطه با مرتعها و زناها مطرح فرموده اند که برای هر کدام آنها نصیبشان است از آنچه عابدشان می شود و چیزی است که کسب می کنند. پس طبیعی است که هر



انسانی در هر مقطع زمانی - یا اگر بخواهیم خیلی واضح تر بگوییم در هر مقطع تاریخی - آن نقش اساسی را می‌تواند داشته باشد که دنبالش رفته باشد، کسب کرده باشد، شناخته باشد، به دست آورده باشد. حالا چه موقعیت اجتماعی باشد، چه موقعیت سیاسی و یا موقعیت‌های دیگری که ممکن است هر فردی با آنچه که به دنبالش هست از توانایی‌های وجودیش بتواند بهره‌مند شود و استفاده بکند و از آن حالت بالقوه به بالفعل درآورد.

منتهی اینکه آیا واقعاً نقش خانمها در مجلس می‌تواند بیشتر مؤثر باشد یا نقش آقایان، عقیده من این است که اصلاً چنین چیزی را نمی‌توان تفکیک کرد. هر نماینده که وارد مجلس می‌شود ولو با ۱۰۰۰ رأی وارد مجلس شده باشد با آن رئیس مجلس یا با یک نماینده که با ۲ میلیون رأی به مجلس آمده باشد فرقی ندارد و هر کدام یک حق رأی دارد. وقتی قرار باشد در مورد لایحه‌ای یا پیرامون طرحی رأی‌گیری شود او، یک رأی دارد و دیگری هم یک رأی دارد. اما آن چیزی که می‌تواند واقعاً نقش داشته باشد از نظر تکاپو و شناخت و سرمایه‌گذاری وجودی که هر یک از نماینده‌ها برای پیاده کردن و به اثبات رساندن قوانینی که نیاز جامعه و مصالح مملکتی و مصالح انقلاب است در این جا می‌شود گفت که این خاتم نقش بیشتری دارد یا آقا نقش بیشتری دارد.

تلاش برای تدوین قوانین مربوط به زنان

در دوره‌های قبل - که من سه دوره در مجلس بودم - حقیقتاً اگر می‌خواستیم یک قضیه‌ای را بالاخره بکشانیم به سطح مجلس یا بکشانیم به یک کمیسیونی که خاص خودش باشد تا رویش کار بشود تا بتواند به صحن مجلس بیاید باید با تک تک نماینده‌ها به بحث می‌نشستی که این آقا و آن آقا را قانع کنی. بعد، تازه برویم در کمیسیون‌ها و جمع اعضای کمیسیون‌ها را قانع کنی که آقا، این لازم است و بعد از اینکه حالا به صحن مجلس آمد می‌دیدیم این آقایی که دیروز در کمیسیون رأی داده، موافقت کرده است به منزل رفته و کسائی، نظرهای دیگری داده‌اند، حالا در صحن مجلس، به شدت با آن مخالفت میکنند. شکل قضیه اصلاً فرق می‌کند. یا می‌آمدند یک پیشنهاد روی این موضوع می‌دادند که اساس قضیه برعکس می‌شد و نمی‌فهمیدیم آن چیزی که ما می‌خواستیم چه بود. می‌توانم یک مثال بزنم: یکی از موارد اساسی خود قانون اساسی، مربوط به زنان بی‌سرپرست است. چقدر روی این قضیه بنده، خانم دستغیب و خانم رجایی با بعضی از این برادران صحبت کردیم و بحث کردیم که بالاخره شما اینها را می‌خواهید چکار کنید؟ نمی‌شود رهایشان کرد. از نظر مادی، دولت باید تأمین بکند و از نظر معنوی، به یک شکل دیگر رویش کار شود. حالا به یک واحد فرهنگی اجتماعی بنیادی می‌سپاریم که مسائل معنوی آنها حل شود. اصلاً برای این آقایان جا

نمی‌افتاد. می‌گفتند: هر زنی یک برادر، یک پدری یا یک پسر دارد که باید خرج آنها را بدهند. می‌گفتیم: خوب آقا، نمی‌دهید باید برود در جامعه و خدای ناخواسته با هزار مشکل روبرو بشود. شاید ۷ الی ۸ ماه روی این قضیه سروکله زدیم و به جایی نرسید. آمدند، نشستند و بردند در یکی از کمیسیون‌ها که رویش کار بکنند. همین طور ماند در آن کمیسیون، که حالا بعد از آن هم کار کردند و زحمت کشیدند و این را به اسم مجلس چهارم و زحمات مجلس چهارم آوردند.

خاتم احراری:

اینکه می‌فرمایید در مجلس، هر کس یک رأی دارد و در واقع، حالا تفاوتی بین آقایان و خانم‌ها نیست. با توجه به اینکه خانم‌ها، مشکلات خانم‌ها را بیشتر درک می‌کنند، مسایل آنها را بهتر می‌دانند و به هر صورت برای جا انداختن یک قانون تلاش می‌کنند، می‌روند تا آقایان را هم راضی بکنند تا چه میزان فکر می‌کنید حضور خانم‌ها می‌تواند در رفع این مشکلاتی که قانونی است و مربوط به خانم‌ها می‌شود مفید باشد.

خاتم دیباغ:

این را فکر نمی‌کنم کسی منکرش باشد. طبیعتاً وقتی فرض بفرمایید ۱۰ خانم در یک مجموعه‌ای باشند بهتر می‌توانند هر کدام، موضوع را از یک زاویه‌ای مطرح بکنند و مسلماً بی‌تأثیر نمی‌تواند باشد. عقیده‌ام این نبود که مثلاً خانم‌ها کمتر باشند، یا همین حد کافی است نه، مقصودم این بود که برای رأی دادن و رای گرفتن فرق نمی‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم - در آستانه انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی قرار داریم. الحمدلله، نظام مقدس جمهوری اسلامی علی‌رغم تلاش‌ها و توطئه‌های دشمنان نظام، نه تنها ستون‌ها و پایه‌های استوار و محکم باقی مانده، بلکه توانسته است انتخابات متعددی را نیز تا به امروز برگزار کند.

در شرایطی، انتخابات مجلس پنجم برگزار می‌شود که در زمینه مسایل داخلی و بین‌المللی شرایط خاصی را داریم. در عرصه بین‌المللی، بحث اصول‌گرایی؛ بنیادگرایی اسلامی، به عنوان تفکر نوینی که تحت تأثیر اندیشه‌های ایرمرد تاریخ معاصر ایران حضرت امام رحمه‌الله علیه به وجود آمده، در دنیا مطرح است؛ البته با تعاریف مختلف. ولی بنیادگرایی مورد نظر ما، با تعریفی که دشمنان ما در غرب و یا استکبار مطرح می‌کنند، متفاوت است. در کشورهای همسایه ما، آرامش زیادی به چشم نمی‌خورد. افغانستان دچار درگیری‌های داخلی است؛ پاکستان اختلاف قومی دارد، در کشور ترکیه علی‌رغم پیروزی نیروهای اسلامی و به اصطلاح حزب اسلام‌گرای رفاه، باز می‌بینیم که تشکیل دولت به دست غیرمسلمان‌ها و یا غیر اسلامی‌ها - یا همان گروه لائیک - واگذار شده است. در شمال، جمهوری‌هایی به وجود آمده که حرکت‌های صهیونیسم بین‌المللی و استکبار را برای ایجاد و نفوذ در آن‌ها مشاهده می‌کنیم. در جنوب کشورمان، نیروهای دشمن تا این فقدان مسلح در خلیج فارس حضور دارند. این نگاهی به عرصه بین‌المللی. در داخل هم، گرچه خوشبختانه برنامه پنج ساله دوم تصویب شده است و در حقیقت، چارچوب حرکت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظام ۱۰ ساله می‌باشد و مشخص شده است. ولی هنوز بر سر خیلی از مسایل اتفاق آرای دقیق وجود ندارد. مثلاً بحث توسعه ملی، هنوز از جمله بحث‌هایی است که نظرات مختلفی پیرامون آن مطرح است که این توسعه مفهوم چیست؟ معیارهایش چیست؟ آیا هدف از توسعه، خصوصی‌سازی و سرمایه‌سالاری است؟ یا هدف از توسعه، ایجاد عدالت اجتماعی در پستر ارزش‌های اسلامی است؟ آیا با وجود گروه‌های مختلف یا جناح‌های فکری مختلف در جامعه، در حقیقت آن آرامش کامل و نسبی و آن سکونی که برای ادامه حرکت سازندگی و برای رشد و تکامل انسانی به مفهوم عام کلمه‌اش در جامعه باید وجود داشته باشد به چشم می‌خورد و در این مرحله، هنوز این مسأله باید مدنظر قرار بگیرد؟ مسأله دیگر در دوره پنجم، انتخاب رییس جمهور است که باز از مسایل مهم مملکت است. رییس جمهوری، قطعاً شخص جدیدی خواهد بود که تازه زمام امور جامعه را به دست می‌گیرد و هر کس که باشد قطعاً تجربه اجرایی عام و کلان کشور را ندارد. انتخاب اصلح و در حقیقت

آیید نهایی، در این مجلس خواهد بود. می‌خواهم عرض کنم که مجلس پنجم از این جهات، چه به لحاظ مسایل داخلی و چه به لحاظ مسایل بین‌المللی، از ویژگی و اهمیت خاصی برخوردار است. البته نمی‌خواهم بگویم اهمیت این دوره، بیشتر از دوره‌های قبلی است؛ چون در هر دوره‌ای، به نوعی شرایط ویژه‌ای بوده است. یک زمانی جنگ بوده، یک زمانی خطر لیبرال‌ها بوده، یعنی این انقلاب خصوصیتش این است که همواره در تلاطم است و گویی که هنوز انقلاب تمام نشده است؛ یعنی همان حالت تحول و دگرگونی و مواجهه با مشکلات مختلف، با دشمنان متعدد و مختلف وجود داشته است. در این دوره هم، منتهی نوع حساسیت‌ها فرق می‌کند. یا توجه به این موارد، خاتمه‌ها چه نقشی می‌توانند در مجلس داشته باشند؟

می‌خواهم عرض یکم که اولاً اگر بخواهم تقسیم‌بندی برای مسایل زنان قائل بشوم یک سری مسایلیشان در جامعه با آقایان مشترک است و تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد؛ مثلاً تأمین مسکن، تأمین بهداشت، تأمین مسایل آموزش. بنابراین، شاید قسمت عمده مسایل و زنان ما در جامعه با آقایان مشترک باشد. به همین دلیل پرداختن به اینها، وظیفه خاص زنان نیست و وظیفه هر نماینده‌ای است.

تکه دوم این است که هر خاتمه نماینده‌ای که وارد مجلس می‌شود در حقیقت، یک بار مضاعف مسؤولیت را به دوش می‌کشد؛ یعنی هم به عنوان یک فرد، جامعه از او انتظار دارد که وظیفه و تکلیف خود را به خوبی عمل کرده باشد و بعد به عنوان یک خاتمه، خاتمه‌ها از او انتظار و توقع دیگری هم دارند. با توجه به اینکه در انتخاب نمایندگان خاتمه، هیچ گونه ویژگی خاصی در نظر گرفته نمی‌شود. به تعبیر دیگر، در سه دوره اول تا سوم چهار نماینده حامی داشتیم و در دوره فعلی ۹ نماینده زن داریم. گویی انتظار می‌رود این ۹ نماینده، که نماینده نصف جمعیت جامعه هستند باید مسایل و مشکلاتی نیز از جمعیت جامعه - که خاتمه‌ها باشند - را حل بکنند و از سوی دیگر، مسؤولیت بقیه جمعیت جامعه هم بر دوششان است.

تقسیم‌بندی مسایل مربوط به خاتمه‌ها به لحاظ جنسیت، در همه سطوح و زمینه‌ها کار صحیحی نیست، یعنی به نفع خاتمه‌ها نیست. می‌خواهم بگویم تشکیل کمیسیون خانواده یا امور بانوان در مجلس، چه کاری می‌خواهد انجام بدهد؟ این خانمی که برایش قانون وضع می‌کنند یا کارمند یا معلم یا پزشک یا پرستار یا کارگر یا خاتمه‌دار است که مسایلیش، هر کدام باید در کمیسیون‌های خاص خود حل شود. در حقیقت، این تشکیل کمیسیون به ضرر خاتمه‌ها تمام می‌شد. چرا؟ چون یک سری از امورات دچار تداخل می‌شد. تا در مسأله‌ای اسم زن، بانو، دختر، خواهر، نسوان و ضعیفه مطرح بود به عهده کمیسیون خانوادگی می‌رفت.



به فلسفه و سبک زندگی
لفظی از دانش به نایست
بافتن پیراهن تابش
ساخته‌اند که با نیت

● **خانم دباغ: وقتی ۱۰ خانم در یک مجموعه باشند بهتر می‌توانند هر کدام، موضوع را از یک زاویه‌ای مطرح کنند.**

دلیل است که ما باید هفته زن اعلام بکنیم. شورای زنان به وجود بیاید، جمعیت زنان فعال بشوند و در واقع، یک نهضت جنبشی و حرکتی برای رسیدن به این سطح تعادل به وجود بیاید.

باید بگویم اگر در همین مسیر دچار افراط بشویم دچار زیاده‌روی و دچار خروج از مسیر مستقیم بشویم باز خودمان لطمه زدیم و لطمه این کار، کمتر از لطمه عدم وجود این تشکیلات نیست. در این حرکت، اینکه به این شکل تفکیک کنیم فکر نمی‌کنم خیلی به صلاح خانم‌ها باشد. اگر ۹ نفر خانم در یک کمیسیون باشند اولاً حضورشان در کمیسیون‌های دیگر تعطیل می‌شود یا ضعیف می‌شود. آقایان هم کمتر شرکت می‌کنند چون فکر می‌کنند یک کمیسیون تخصصی است. بنابراین، باید این مسایل را به عنوان یک معضل اجتماعی در مجلس مطرح کرده و راه و جایش را پیدا کرد و بعد به تصویب رساند. و گرنه، کمتر موضوعاتی است که به طور خاص، مربوط به خانم‌ها باشد و نیاز به یک کمیسیون داشته باشد. البته خانم‌ها باید به سنگینی این رسالت و مسؤلیتی که بر دوشان هست کاملاً واقف باشند؛ یعنی در واقع، چشم امید جامعه هم در ایران و هم در جهان - به آنها دوخته شده است. خانم‌های نماینده نباید مجلس را سکوی موفقیت‌های خودشان قرار بدهند. خانمی که با دیپلم وارد مجلس می‌شود و با فوق‌لیسانس خارج می‌شود معلوم نیست در دوران نمایندگیش برای تحصیلات خودش کار می‌کرده و یا برای مردم، کار و تلاش می‌کرده است. خانمی که در صدد تأمین امکانات رفاهی بوده، معلوم نیست که خدمتش به نفع زنان بوده یا به نفع موکلین خودش بوده است. مسؤلیت خانم‌های نماینده بیشتر است. همان طور که رسالتشان سنگین‌تر است

جهت نیروهای تخصصی ضعیف می‌شد، بعد خانم‌ها در کمیسیون‌های دیگر شرکت نداشتند و خیلی به این قضیه لطمه می‌خورد. بعضی از امور، هنوز در جامعه باز نشده است؛ یعنی مسایلی هست که باید آرام آرام، دستگاه‌های مختلف از قبیل شورای فرهنگی اجتماعی زنان، جمعیت زنان و تشکیلات مختلف به آن بپردازند که کجا، ما معتقد به جداسازی هستیم، کجا باید بحث خانم و آقا را جدا کنیم و کجا نباید جدا بکنیم. الان ما داریم باز دچار افراط و تفریط می‌شویم. این قضیه پرده کشیدن وسط کلاسها - که حضرت امام اعتراض فرمودند - را شنیده‌اید. این هم یک نوع تفکر جداسازی است. باید روشن بشود و باز شود در چه زمینه‌ها و چه اموری، تا چه حدودی و در چه شرایطی، ما معتقد به تفکیک امور - چه به لحاظ نظری و چه به لحاظ عملی - هستیم. بعد از آن بپردازیم به اینکه اگر قرار است این جداسازی و تفکیک صورت بگیرد، چه برنامه‌ریزی باید انجام بشود، چه تشکیلاتی باید برای آن به وجود بیاید و چه پیش‌بینی‌هایی باید صورت بگیرد؟

خانم احراری:

اگر کمیسیون امور بانوان در مجلس تشکیل بشود این کمیسیون می‌آید و قوانینی را که ویژه بانوان هست طرح‌ریزی می‌کند و این قوانین را ارائه می‌دهد. در حالی که در کمیسیون‌های دیگر، به صورت مشخص مطرح نمی‌شود. یک سری مسایل، مانند آموزش و بهداشت، مشترک است. ولی یک سری مسایل خاص خانم‌ها مثل دوران شیردهی، مساله مرخصی زایمان، مساله بیوه‌زنان و ... هست که اولاً، خانم‌ها متوجه آن هستند و آن را حس می‌کنند. ثانیاً، بهتر می‌توانند به آن بپردازند چون مشکلات را بهتر می‌بینند. این مسایل، بهتر است در کمیسیون بانوان مطرح بشود و به صورت طرح در مجلس بیاید، چون در کمیسیون‌های دیگر قطعاً طرح نخواهد شد.

بررسی مشکلات زنان

خانم شجاعی:

اینکه در کمیسیون‌های دیگر مطرح نمی‌شود من تا اینجا با شما موافقم. ولی این راجحش نیست. چرا؟ چون همین بحث دوران شیردهی باید در کمیسیون امور استخدامی و یا در کمیسیون بهداشت مطرح بشود. این تفکر را باید آرام آرام از بین ببریم که همیشه خانم‌ها، راجع به خانم‌ها صحبت کنند. ببینید این مشکل، مشکل اجتماعی ماست. تقسیم‌بندی کمیسیون‌های مجلس غلط است. ما نمی‌توانیم بگویم کمیسیون بهداشت، کمیسیون آموزش عالی، کمیسیون آموزش و پرورش، کمیسیون بانوان. ما در جامعه، الان در یک حالت تعادل نیستیم؛ یعنی شرایط زنان ما با شرایط مردان، رشد فکری زنان با رشد فکری مردان و قوانین و مقررات مربوط به زنان و مردان، با هم در یک حالت تعادل نیست. به همین

حرکت‌ها و رفتارهایشان هم بیشتر زیر ذره‌بین است و انتظار و توقعی که جامعه از آنها دارد بیشتر است.
توصیه من این است که در همان ابتدا، حساب خودشان را با خدا و خودشان صاف بکنند و ببینند انگیزه اصلیشان برای این کار چیست؟ آن ریشه اصلی اگر درست و روشن باشد بقیه کارها انشاء... درست خواهد شد.

زنان، نمیی از نمایندگان مجلس؟
علم، مجلس شورای اسلامی

تعمیرات من نماینده در مجلس، از دو جهت قابل تأمل است:

اول، نقش نماینده به عنوان یک عضو مجلس قانونگذاری، به گونه‌ای که فعالیت وی در حیطه امر قانونگذاری، تأمین‌کننده مصالح عامه ملت باشد.

دوم، نقش وی به عنوان نماینده یک صنف خاص که خاستگاه نماینده است. با این طرز تفکر، نقش یک نماینده زن در مجلس شورای اسلامی به عنوان یک زن در حل مسایل و نارسایی‌های جامعه زنان و ارائه راهبردهای عملی در جهت تحقق حقوق زنان و ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی زنان جامعه بسیار مؤثرتر است. نماینده زن، علاوه بر شناخت و احاطه کامل به مسایل و نارسایی‌های خاص بانوان، با انگیزه دوتنی قوی و به واسطه انتساب به این قشر، نقش بسیار فراگیرتر و مفیدتری در مورد مسایل زنان دارد. به همین دلیل است که امروزه یکی از ایده‌های مطرح و اصولی، حضور گسترده زنان در مجلس است تا حدی که به اعتقاد ما، باید نمیی از نمایندگان مجلس را بتوانان دودانشای متفکر و متخصص تشکیل دهند. چراکه در کشورهای که حقوق زنان به طور نسبی به خوبی رعایت می‌شود تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس را زنان تشکیل می‌دهند و شایسته‌تر آنست در کشور ما، که ام‌القرای اسلام و منادی تحقق احکام متعالی اسلام و احقاق حقوق زنان است تعداد بیشتری از نمایندگان مجلس از میان بانوان باشند. اما از این جهت که یک نماینده در قبال ایجاد افرواد جامعه مسؤولیت دارد و باید مدافع مصالح عموم مردم باشد نقش نمایندگان زن و مرد مساوی و رأی هر یک به سهم خود دارای ارزش و منزلت خاصی است.

خصوصیات نمایندگان مجلس

خانم امراری:

به نظر شما کاندیدیهایی که می‌خواهند وارد مجلس بشوند چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

خانم شجاعی:

در درجه اول نماینده، باید اسلام‌شناس باشد؛ نه اینکه همه نماینده‌های ما فقیه و مجتهد باشند، بلکه آشنایی با مسایل اسلامی

برای یک نماینده در نظام جمهوری اسلامی بسیار لازم و ضروری است. چرا؟ برای اینکه تفاوت خطاهای مجلس شورای اسلامی در کشور ما با کشورهای دیگر دارد. در واقع، ما قوانین اصلی و اولیه را در فقه اسلامی، در جهان‌بینی اسلامی به طور روشن داریم. نماینده بر مبنای آن اصول کلی متناسب با شرایط زمان، مقتضیات مکان و زمان و وضعیت امروزی جامعه یک سری مقرراتی را می‌خواهد وضع کند و به همین دلیل است که حتماً نباید نسبت به اسلام شناخت نسبتاً جامعی داشته باشد. مسأله دیگر این است که در هر رسیسی متنوعی باشد. جمله زیبای از حضرت امام در ارتباط با همین بحث نماینده‌ها دیدم. حضرت امام فرموده‌اند که: «این که یک نفر آدم خوبی است و نماز شب می‌خواند این برای مجلس کافی نیست. ما کمیسیون کشاورزی داریم، کمیسیون قضایی داریم، مجلس کارشناسی نیاز دارد، مجلس صاحب نظر نیاز دارد که بتوانند در این مسایل در واقع اظهارنظر بکنند.»

یکی از خصوصیات بسیار مهم نماینده این است که درد محرومین و مستضعفین را چشیده باشد. نماینده، اگر امکاناتی برایش فراهم می‌کنند که بتواند با قراغ بال در دوران نمایندگیش به وظیفه اصلی خودش بپردازد نباید فراموش کند که در همین جامعه کسالتی زندگی می‌کنند که وقتی باران می‌آید از گوشه اتاقشان آب می‌چکد یا افرادی زندگی میکنند که جمعیت ۱۱ نفری در یک اتاق ۲×۳ می‌خوابند. هنوز هست در جامعه ما. حالا ما یک وقتی می‌خواهیم برای دنیا صحبت کنیم می‌گوییم ما چنین و چنان رشد کردیم، به استقلال اقتصادی رسیدیم، ولی واقعاً این محرومین و مستضعفین در جامعه ما کم نیستند. نماینده باید درد اینها را چشیده باشد. آن کسی که درد اینها را چشیده باشد آن وقت طرح‌هایی برای رفع محرومیت‌ها می‌دهد.

الآن در روزنامه‌ها بحث تکنوکرات به عنوان یک خصوصیت ناپسند مطرح است. تکنوکرات یعنی چه؟ یعنی صاحب نظر و متخصص. منتهی ما همواره آن شرایط اول راه یعنی متعهد بود و معتقد بودن به اسلام و اسلام شناس بودن و متخصص بودن در یک زمینه خاص را در کنار هم و یا هم قرار می‌دهیم و این خصوصیات، یک خصوصیات جامع برای یک نماینده است. نماینده هم باید صاحب نظر و کارشناس باشد، هم‌درد محرومین را چشیده باشد و اسلام را بشناسد.

به قول فرمایش امام: مجلس، کشور را در مقابل جهان اداره می‌کند نه اینکه ایشان را در مقابل خودش اداره کند. یعنی لزوم دارا بودن یک دید بین المللی، آشنایی با مسایل روز جهان و معادلات سیاسی بین المللی؛ خصوصیت خیلی مهمی است که نماینده باید داشته باشد. آخرین نکته‌ای که عرض می‌کنم اگر نماینده‌ای از یک منطقه، از یک بخش، یا شهرستانی انتخاب می‌شود باید توجه بکند که دیدش، یک دید کلان باشد، یک دید ملی باشد. نه اینکه

نمایندگان از یک جایی انتخاب می‌شوند و اصلاً وظیفه‌شان یادشان می‌رود. یا در تبلیغات انتخاباتی‌شان وعده و وعیدهایی را به مردم می‌دهند یعنی کارشان را با کار قوه مجریه عوض می‌کنند. وظیفه نماینده راه کشیدن و مدرسه و ساختن و بهداشت آوردن نیست. به این دلیل، نمایندگان را برحسب حوزه‌های مختلف قرار داده‌اند که مشکلات آنجا را بشناسند و در تصویب مقررات، ملاحظات منطقه بومی خودشان را در نظر بگیرند. حالا اگر کارش این باشد که فقط رابط استاندار و قوه مجریه باشد، از وظیفه اصلیشان می‌ماند. چرا مجلس باید با حد نصاب اولیه تشکیل بشود؟ چون غیبت‌ها خیلی زیاد است. چرا؟ چون آقایان گرفتاری‌هایشان برای رفتن و رفتن امور است. هم باید دید ملی در تصمیمات داشته باشد و بعد هم نگاه بین‌المللی در این زمینه‌ها لازم است.

نمایندگانی برای محرومان

خاتم دباغ:

همانطور که خاتم شجاعی اشاره کردند من فکر می‌کنم فرمایش امام، شاید هنوز هم برای خیلی از مسؤولان جا نیفتاده که وقتی مسأله محرومین و مستضعفین را و با آگاه به مسایل دینی و اسلامی را در رابطه با یک کاندیدا مطرح می‌کنند بعضیها در ذهنشان این است که یک زمانی، یک چنین مسایلی مطرح بوده است حالا دیگر جو عوض شده و ما بچمدان... یک سری مشکلاتمان حل شده است و یک سری قوانین هم تا حدی به تصویب رسیده‌است. بنابراین حالا زمانی است که توجه به مسایل خیلی بالاتر و بزرگتر و گسترده‌تری وجود داشته باشد.

موضوعی که من واقعاً می‌خواهم به آن تکیه بکنم همان دو نظر حضرت امام در رابطه با مسایل بین‌المللی و مسایل داخلی جامعه‌مان است. حضرت امام دو جمله به زبان مردم مطرح کردند. مسایل بین‌المللی را می‌فرمایند با هیچ کشوری سز جنگ و ستیز نداریم غیر از دو سه کشوری که دقیقاً اسم می‌برند و بعد راجع به شیطان بزرگ می‌فرمایند رابطه ما، رابطه گرگ و میش است و این نشان دهنده عنایت خاص حضرت امام به دشمنان اصلی انقلاب است که کسانی که می‌خواهند وارد مجلس بشوند باید این خصوصیت بارز را دارا باشند که این موضوع و نظریه حضرت امام را درک کرده باشند که حضرت امام، چرا روی این قضیه به این شکل تکیه می‌کنند. ایشان، مثال را به این واضحی و با زبان بسیار ساده مطرح می‌کرد برای اینکه همین مردم ما هستند که باید رأی بدهند به مجلس، بنابراین آن کشاورزی هم که در ده دارد کشاورزی می‌کند باید بفهمد امام چه معیاری را برای انتخاب داده است. این از مسأله خارجی.



● خانم جلودارزاده: نقش یک نماینده زن، در حل مسایل و نارسایی‌های جامعه زنان و ارائه راهبردهای عملی برای تحقق حقوق زنان و ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی زنان جامعه، بسیار مؤثرتر است

مستضعفین است؟ یعنی نماینده، دست کم با پاهرنگان نشست و برخاست داشته باشد. یک شب اقلاً گرسنه خوابیده باشد و درد گرمگی را درک کرده باشد، یک شب بدون سرپناه خوابیده و این درد را احساس کرده باشد. یک وقت هست که ما در جوامع دیگر می‌خواهیم فضای را مطرح بکنیم، فرق می‌کند اما وقتی می‌خواهیم برای تدوین قوانینی که می‌خواهد این ملت و این مردم را نجات بدهد از آن چیزهایی که باید داشته باشند و ندارند و در اختیارشان قرار نگرفته است یا بخاطر نبود قانون به آن دسترسی پیدا نکرده‌اند باید بیاید این مشکلات و معضلات را حل بکند. اینجا باید دقیقاً روی این قضیه تکیه بشود.

من فکر می‌کنم اگر بخواهیم برای مردم بیان کنیم معیار برای انتخاب نماینده‌ای که می‌خواهد به مجلس بفرستید چه باید باشد؟ باید بنویسیم واقعاً خودمان را در نقطه نظرات حضرت امام رضوانا... تعالی علیه در رابطه با مسایل انتخاباتی خلاصه کنیم. مخصوصاً جاهایی که امام خیلی راحت در رابطه با همه اقشار مطرح می‌کنند که در انتخابات وظیفه دارند حتماً دخالت مستقیم داشته باشند. تا اینکه خودشان را برای حفظ نظام اسلامی، برای حفظ نظام جمهوری اسلامی در عرصه مسایل ببینند. اما با بودن و در عرصه مسایل بودن نمی‌توانند نقش زیادی داشته باشند مگر اینکه دقیقاً این نقطه نظرات و معیارها را بشناسند.

البته، تنها این نیست که حضرت امام روی این قضیه پاهرنگان تکیه کرده باشند. بعد از حضرت امام رضوانا... تعالی علیه، از مقام

نمایندگان مجلس داریم که با چه معیارهایی و با چه خصوصیات انتخاب بشوند. اگر این ۲۷۰ نفر متخصص باشند همه مشکلات ما حل می‌شود؟ طبیعتاً است که نه. الان اکثر کسانی که ما می‌بینیم زمره ارتباط با آمریکا، با زمینه مخالفت مستقیم با دولت را مطرح می‌کنند و آقایان تحصیل کرده‌های سطح بالای جامعه هستند. آن کسانی که در مجلس واقعاً به طور خالص و مخلص می‌بینید دارند حرکت می‌کنند و می‌آیند و خیلی از مسائلی را که به نفع همین طبقه مستضعف جامعه هست بیان می‌کنند اینها کسانی هستند که با این ملت مانوس هستند؛ یعنی حداقل قبل از انقلاب، بعد از انقلاب، داخل انقلاب، در کش و فوس‌ها و جبهه‌های جنگ‌مان، مبارزه با دشمن و فکر و ظلم و ... اینها به گونه‌های مختلف بالاخره خودشان یک نقش‌هایی داشته‌اند. اینها چیزهایی هستند که به نظر می‌رسد باید روی آن تکیه بشود.

دلایل حساسیت انتخاب

نکته خیلی مهم این است که چرا باید دوره پنجم مجلس، برای مردم از یک حساسیت خاصی برخوردار باشد. با وجود تفکری که امروزه، متأسفانه در بین برخی اقشار جوان جامعه، رسوخ پیدا کرده است و شاید خیلی واضح و شناخته شده هم نباشد خطری را احساس می‌کنیم که نمایندگان مجلس پنجم باید روی این قضیه حساسیت زیادی نشان بدهند. آن قضیه، مسأله ولایت فقیه است. در دانشگاه‌های ما، در بعضی از مجالس، حتی بین بعضی از طلبه‌ها شنیده‌ام که - این دیگر خیلی باید دردناک باشد - این گونه بحث‌ها مطرح است. که مثلاً ولایت فقیه را، می‌توان به دست یک نفر داد تا تصمیم‌گیری کند یا نه؟ طبیعتاً ما خوب می‌دانیم که تصمیم‌گیری ولی فقیه - که ولایت امر ما هست - اینطور نیست که شخصاً خودشان بنشینند در یک اتاق، فکری را بکنند و بعد بیاید بیرون و بگویند، بروید و این کار را انجام دهید. طبیعتاً می‌آید در روایات و آیات و سننها، دستورات اسلام و حرکت‌های معصومین ما سرور می‌کند و با مشاوراتی که دارند کنار اینها، یک سری مسایل بررسی می‌شود بعد از آن، ولی فقیه نظری را می‌دهند.

ما در رابطه با رهبر معظم انقلاب، مسایلی را باید خیلی رویش حساسیت داشته باشیم. فکر می‌کنم مجلس پنجم باید برای این قضیه خیلی آمادگی داشته باشد و افرادی حتماً راه پیدا بکنند انشاءالله. الرحمن به مجلس، که بتوانند نسبت به این احساس، برخورد مناسب داشته باشد. من نمی‌خواهم بگویم احساس برای کسانی بوجود بیاید؛ ولی می‌خواهم بگویم این حرکت که حالا شروع شده حالا یا به دست اتسناهای ناآگاه، یا به دست آدمهایی که خدای ناخواسته با برنامه دارند جلو می‌آیند برای نسل آینده ما خطرناک است و باید مجلس پنجم بتواند از عهده آن برپاید.

خاتم شعانی:

در ارتباط با شرایط حساس این دوره ننگه‌ای را که فراموش کرده بودم و حالا عرض می‌کنم بحث جریان خزندهای است که برای تضعیف بنیه دینی نسل جوان جامعه ما صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، به این شکل باید مطرح کرد که در راس بنیه دینی، اعتقاد به ولایت است که اگر نفع تسبیح جامعه و این استوانه اساسی حکومت اسلامی خدشهای بر آن وارد شود و متزلزل بشود در واقع کل این نظام از هم می‌پاشد و دشمن هم در حقیقت نوک پیکان و لبه تیز حمله خودش را به این سمت متوجه می‌کند. حالا گاهی مستقیماً و گاهی هم به صورت غیرمستقیم، این حرکت خزند صورت می‌گیرد. همین حرکتی که خود مقام معظم رهبری تحت عنوان **هجمه فرهنگی یا شیخون فرهنگی** از آن یاد کردند و در عاشورای ۲ و ۳ سال پیش و با اینکه تحت عنوان بحث‌های علمی و به اصطلاح دانشگاهی و در کلاس محیط‌های دانشگاهی مطرح می‌شود و یا تحت عنوان بحث‌های طلبگی در حوزه‌های علمیه، به یک شکلی نمود پیدا می‌کند.

در هر صورت تضعیف بنیه دینی و معرفی جامعه و آن هم نسل جوان - در واقع آینده جامعه - دست آنها سپرده شده و به هر حال نسلی که الان دارد جامعه را می‌گرداند در واقع، نسل دوران انقلاب و قبل از انقلاب است. دست پرورده‌های انقلاب هنوز وارد عرصه مدیریتی و بدنه کارشناسی و بدنه اجرایی جامعه نشده‌اند. در این ۱۷ - ۱۸ سال هنوز زود هست که بخوانند اداره امور را به دست بگیرند دست‌کم، ۲ - ۵ سال دیگر اینها وارد نظام می‌شوند. تا تحصیلشان تمام شود و بعد بخوانند اداره امور جامعه را به دست بگیرند. واقعاً باید روی این قضیه تأمل بشود که آیا همان میزان اتحاد و پیوستگی به اسلام، تحمل رنجها و مشقات و سختی‌ها و زندان‌ها و شکنجه‌ها و محرومیت‌ها و رنج‌ها که در نسل کنونی دیده می‌شود در آنها وجود دارد؟ اینها از حساسیت‌هایی است که حتماً به آن توجه بشود.

اصولاً در انقلاب یک سری از مسایلی به عنوان اصول اساسی در انقلاب مطرح است که با خدشه وارد شدن به آنها به انقلاب خدشه وارد می‌آید. مثلاً فرض بکنید که سیاست نه شرقی و نه غربی به عنوان یکی از اصول اصلی این نظام و اصل ولایت فقیه به عنوان یکی از اصول مهم این انقلاب است. اصل اسلامیت، یا به اصطلاح مکتبی بودن نظام از این اصول است. یا در سیاست خارجی هم یک سری اصول دیگری داریم که به اینها اضافه می‌شود. اصل تکیه بر ملت، مردمی بودن نظام که در قانون اساسی هم مکرراً اشاره شد نیز یکی از اصول اساسی این انقلاب است. در بحث‌های رونیایی، یا در تاکتیکی‌ها، یا در بعضی از سیاست‌های اجرایی ممکن است افراد دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند که این دیدگاه‌ها طبیعی هم هست که یک جامعه آزاد، اجازه ورود آرا و نظرات مختلف را در خودش



می‌دهد ولی در صورتی که تعطل یا ضعف ایمانی افراد را در پی نداشته باشد.

خانم دباغ:

نکته‌ای که می‌توان به فرمایش خانم شجاعی اضافه کرد این‌که گاهی این طرف و آن طرف، یا از زبان دشمن و یا از زبان دوست نادان بیان می‌شود که فرمایشات امام کم‌رنگ شده یا مسایل اساسی انقلاب خدشه‌دار شده است. یعنی وقتی، کسانی در مسند کارهای اساسی قرار می‌گیرند که خودشان به آن میانی و اساس انقلاب خیلی تکیه ندارند یا اعتقاد ندارند طبیعی است علم‌مکرشان، حرکتشان، بیانات آنها باعث می‌شود که برای دیگران چنین توهمات را پیش بیاورد که بعضی چیزها یا کم‌رنگ شده یا خدشه‌دار شده است. بنابراین باز برمی‌گردد به انتخابات، که ما همه هم و غم‌مان را باید بگذاریم روی این قضیه که کسانی که می‌خواهیم انتخاب کنیم و به مجلس بفرستیم به دنبال مسایل رونمایی نباشند. این شخص را که می‌خواهیم به او رأی بدهیم آیا واقعاً می‌تواند آن میانی و اساس انقلاب را حفظ کند ولو اینکه بعضی از مسایل را اهمیت ندهد یا اجرا نشود اما اساس را حفظ کند. این را فکر می‌کنم که باز محله‌ها و روزنامه‌های ما، رسانه‌های گروهی ما باید در این رابطه، برخوردی مناسب داشته باشند. اعتقاد من این است که صدا و سیما می‌تواند در ایام نزدیک به انتخابات، می‌تواند نقش اساسی روی این قضیه داشته باشند. چون مردم ما واقعاً از یک خلوص خاصی برخوردار هستند و از یک تبعیت خاصی به خاطر مذهبی بودنشان، به خاطر اعتقادشان برخورد دارند که وقتی ببینند صدا و سیما دارد یک سری معیارها و ارزش‌ها را برای انتخاب ارائه می‌دهد خودشان می‌فهمند که چکار باید بکنند. در ضمن، نباید جنگ‌های گروهی و دسته‌ای خودمان را بکشانیم به این چیزها و مردمان را سرگرم آن بکنیم و آنها ندانند که چه باید بکنند.

خانم امحوری:

باید گفت کسانی می‌توانند اصول و مبانی را حفظ بکنند که خودشان آن سوز انقلابی را داشته باشند، آن شلاق انقلاب بر گردنشان خورده باشد. کسانی که دستی از دور بر آتش داشته‌اند و در آن بحیوچه انقلاب و بحیوچه جنگ در میدان نبودند آنها نمی‌توانند ارزشها را حفظ بکنند، نمیتوانند پایتد به آن مبانی باشند. در واقع می‌توانیم بگوییم یکی از معیارهای انتخاب نمایندگان این است که نمایندگان را از بین کسانی انتخاب بکنیم که درد انقلاب داشته باشند، سوز انقلاب داشته باشند و انقلابیون راستین باشند.

خانم شجاعی:

● خانم شجاعی: یک نماینده، باید اسلام‌شناس و کارشناس باشد و درد محرومین و مستضعفین را چشیده باشد

اختلاف یک رأی، رأی اعتماد نیاوردند و حذف شدند. پس، ببینید یک نماینده چقدر می‌تواند تعیین‌کننده باشد و بعد هم با تعویض و یا جابه‌جایی یک وزیر شما می‌توانید کل تشکیلات و حتی برنامه‌ریزی‌ها عوض می‌شود. می‌خواهم بگویم رأی یک نماینده، تا چه اندازه تأثیرگذار است. تا جایی که وجود نماینده‌ها و انتخابشان، این قدر حساس است که مجموعه سیستم اجرایی کشور را تغییر می‌دهد. بنابراین مجلس انقلابی، دولت انقلاب را تأیید می‌کند. مجلس بی‌تفاوت، دولت بی‌تفاوت را تحویل جامعه می‌دهد.

خانم جلودارزاده:

بیانات و رهنمودهای امام (ره) در عرصه‌های مختلف حیات ملت ما، در حکم روشنی‌بخش راه و میزان صراط مستقیم است. حضرت امام قدس سره در جایی فرموده‌اند نمایندگان ما باید به مرحوم شهید مدرس تأسی کنند. حال بررسی شخصیت شهید مدرس در ابعاد مختلف می‌تواند معیار انتخاب اصلاح باشد. مدرس در نگاه نخست، یک عبد صالح و بنده وارسته بود که تفکر توحیدی در لحظه لحظه زندگی وی رسوخ کرده بود. مسلماً چنین نماینده‌ای در کلیه انتخاب‌ها، با معیار تفکر توحیدی گام برمی‌دارد. قرب الهی، هدف اوست و تقرب به هیچ مقام و موقعیت را بر هدف خود ارجحیت نمی‌دهد. در زمان ما هم اگر در شخصی تفکر توحیدی و تقوایی‌نگی محور فعالیتها باشد، حب نفس‌ها کنار رود و معیار، خدمت‌محوری باشد و نه خود‌محوری، این شخص منتخب اصلاح است.

بحث دیگر، خود کاندیدها هستند که منتخبین، در واقع اشاره کردیم چه خصوصیات و ویژگی‌هایی باید داشته باشند. به نظر من برای کسی که خودش را کاندید می‌کند انتخاب شدن یا نماندگی به عنوان یک تکلیف شرعی برایش مطرح است. این که به هر دری بزند و به قول معروف شیوه‌های غلط و نامناسبی - که بیشتر از هر چیزی من فکر می‌کنم به نظام ما ضربه می‌زند - در پیش بگیرد؛ بیشترین ضربه را به اصل انتخابات می‌زند و خدای نکرده، روش‌های قدیمی برای جلب آرا پیدا می‌شود. واقعاً اگر کاندیدها این احساس تکلیف را می‌کنند، این اعتماد به نفس را دارند و خودشان را اصلاح می‌دانند...

بسم ...

رکن سوم، خود جریان انتخابات است که بحث مقررات و مراحلی که باید طی بشود، کانال‌های مختلف و یا به اصطلاح آن صافی‌های مختلف است. خوب، یک سری شرایط اولیه برای ثبت نام است؛ اینکه حتی مجلس چهارم، شرط داشتن تحصیلات لیسانس را برای کاندید شدن تصویب نکرد و در واقع به این دلیل بود که این آزادی و این امکان برای اکثر جامعه ما وجود داشته باشد. چون یک تعدادی به تناسب، بخاطر یک مدرکی که معلوم نیست چقدر هم سواد همراهش هست حذف می‌شدند. می‌خواهم عرض کنم زمینه برای احاد ملت طبق اصل ۲۰ قانون اساسی وجود دارد. بعد، مرحله تأیید صلاحیت شورای نگهبان، بعد انتخاب مردم، بعد تصویب اعتبارنامه، در واقع چهار تا صافی وجود دارد که نماینده باید از اینها عبور کند تا آن نیروی خالص و اصلاح وارد مجلس بشود. حالا در این جریان یکی از شرایط سالم بودن انتخابات، این است که تبلیغاتش هم سالم باشد. تبلیغات انتخابات، در حقیقت باید ابلاغ بکنند، یعنی همان بلوغ بودن را داشته باشد در حدی که معرفی بکنند یعنی زیاده‌گویی‌ها، یا اغراق کردن‌ها، یا بعضی از نسبت‌ها که افراد نسبت به خودشان می‌دهند نباشد. اینها در واقع - اگر اسمش را معامله بگذاریم - غش در معامله است. نماینده‌ای که از اول با این مسایل مبحو خواهد وارد شود معلوم نیست آخرش سر از کجا درمی‌آورد. نکته دیگر در بیان ویژگی‌های مثبت نمایندگان و کاندیدهای انتخابات اینست که هیچ لزومی ندارد با اتهام و افترا و تهمت، دیگران را خراب کنیم. یعنی چه نماینده‌ها، چه کاندیدها و چه طرفداران آنها، نباید برای اثبات صلاحیت و فضایل اخلاقی و ویژگی‌های مثبت کاندیدی خودشان دیگران را خراب بکنند. اگر واقعاً نور بیاید خود به خود تاریکی از بین می‌رود. اگر واقعاً خصوصیات مثبت در این فرد باشد مردم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

مسأله دیگر برای سالم بودن انتخابات، این است که با عدالت و حفظ مقررات و قوانین اسلامی رفتار شود. اگر امکانات دولتی است، اگر رسانه‌های گروهی و مطبوعات و مصاحبه است برای همه فراهم بشود، خیلی بد است در نظام جمهوری اسلامی، که افرادی به

● **خانم دباغ: آن کسانی که در مجلس، خالص و مخلص، خیلی از مسایل را به نفع طبقه مستضعف جامعه بیان می‌کنند، با این ملت مانوس هستند**

● **خانم احراری: یکی از معیارهای انتخاب نمایندگان این است که نمایندگان را از بین کسانی انتخاب کنیم که درد انقلاب داشته باشند، سوز انقلاب داشته باشند و انقلابیون راستین باشند**

خاطر نداشتن بودجه تبلیغاتی نتوانند وارد عرصه انتخاباتی شوند. یعنی یکی از ملاکهای ورود به صحنه و موفقیت، عامل اقتصادی باشد. این امکانات، افرادی را که تشخیص می‌دهند نیروهای خوب و مثبت و مفیدی هستند خوب معرفی کنند. این کمک‌ها صورت بگیرد تا عامل تعیین کننده این قضیه نباشد. حضرت امام روحی له الفداء در وصیتنامه خودشان این مشکل جامعه را حل کردند. در واقع در این منشوری که راه را برای همه نسل‌های آینده در طول تاریخ - نه فقط برای مردم ما - باز کرده است حتی به این مسأله اشاره کرده‌اند که از چه راه‌هایی می‌توان نماینده را شناخت. فرمودند که در تعیین رییس جمهور و کلاسی مجلس، با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشنفکر و با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استعمارگر و مشهور به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، یک گروه را با این خصوصیات معرفی می‌کنند. در واقع قشر تحصیل کرده روشن و آگاه از مجاری امور، و بعد باز ادامه‌اش می‌فرمایند که با علما و روحانیون باتقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نمایند. یعنی در حقیقت، ما با همان روشی که برای تعیین مرجع تقلید، یا برای مسایل تخصصی دیگر به افراد صاحب صلاحیت و کارشناس مراجعه می‌کنیم در این زمین هم همین‌طور. یعنی اگر مردم شناخت مستقیم ندارند می‌توانند به طور غیر مستقیم، از افرادی که نسبت به ایشان اعتماد دارند و در واقع آدم‌های باتقوایی هستند، عادل هستند و در حقیقت در جریان‌ات و خط و خطوط خاص حزبی یا سیاسی به معنای باندهازی، نه به معنای درست و صحیح کلمه قرار ندارند با اینها مشورت کنند و از آنها بخواهند که نظر خودشان را نسبت به نماینده‌ها بدهند.

رسالت انتخابات

خاتم جلوه‌آزاده:

برای برگزاری یک انتخابات سالم که شرط اصلی تحقق تعریف امام از مجلس به عنوان آینه تمام‌نمای ملت است موارد زیر قابل توجه می‌باشد:

اول: ایجاد امکان معرفی و شناسایی ایده‌ها و اهداف نامزدهای انتخاباتی برای مردم، به طوری که شناخت، معیار انتخاب باشد نه مسایل نادرست و متأسفانه رایج از جمله: انتساب به گروه یا احزاب خاص، صرف امکانات مادی و هزینه کردن پول برگزاری ضیافتها در جهت جلب آراء خریدن راه، سوءاستفاده از وابستگی‌های قومی و طایفه‌ای و ... و نیز توسعه و ترویج این تفکر که افراد، حق حضور خویش در سرنوشت کشور را با رای دادن به یک نماینده واگذار می‌کنند و لازم است این حق را با شناخت و گامی به منتخب خویش واگذار کنند.

دوم، جریان انتخابات در کلیه مراحل اعم از حوزه‌های انتخابیه، هیأت‌های نظارت و ... تا آنجا که در حیطه عمل نهادهای دولتی است باید با صحت و امانت کامل، بدون جانبداری از یک گروه خاص و بدون ملاحظات شخصی صورت گیرد. چنانکه مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهور در توصیه‌های خود به استانداران و متولیان امر انتخابات بیان داشته‌اند. چرا که کوچکترین تخلفی و عدم رعایت امانت نسبت به آرای مردم، علاوه بر جدا کردن و ازروی مردم از صحنه‌های سیاسی و ایجاد بی‌تفاوتی در مردم نسبت به حضور در انتخابات آینده، نظام نیز حمایت مردمی خویش را در درازمدت از دست خواهد داد و مجلسی که نمایندگان حقیقی ملت در آن جای نداشته باشند مسلماً نمی‌تواند به وظایف قانونگذاری خود در جهت منافع ملت عمل کند.

سوم، یکی از نادرست‌ترین ترندها برای جلب آرای مردم که متأسفانه توسط برخی افراد که اعتمادی به موقعیت مردمی خویش ندارند اعمال می‌شود، متوسل شدن به شیوه‌های نادرست اعم از ترور شخصیت افراد، هتک حرمت‌ها و نسبت دادن بهتان‌های بی‌اساس و ... به سایر داوطلبان است. صحیح‌تر آنست که کاندیداهای انتخاباتی در تبلیغات خود به بیان عملکرد گذشته و سوابق و برنامه‌های خویش بپردازند نه اینکه به لگدراگردن سوابق و بی‌اساس خواندن برنامه‌های سایرین

عالم محوری:

با توجه به اینکه خود شما کاندیدی مجلس هستید آن انگیزه‌هایی را که باعث شد شما کاندید شوید و آن برنامه‌ای را که در ذهنتان پیش‌بینی کرده‌اید برای اینکه اگر انشاء... انتخاب شدید در مجلس به انجام برسانید را برشمرد؟

خانم دیباغ:

من، به شخصه اعتقادم بر این نبود که باید دوباره در صحنه مجلس حضور پیدا کنم و فکر می‌کردم کارها انجام می‌شود، همه به وظایفشان عمل میکنند، ما هم در هر کجا که هستیم داریم کار انجام می‌دهیم ولی با توجه به نشست‌هایی که با بعضی از برادران و خواهران داشتیم با توصیه‌هایی که بعضی از دوستان داشتند

● خانم جلودارزاده: برحسب رهنمودهای حضرت امام (ره)، نمایندگان ما باید به مرحوم شهید مدرس تاسی کنند.

مشورت‌هایی که به شخصه با بعضی از افراد کردم. خانم مصطفوی فرمودند و من را برای این کار مجاب کردند و من به خاطر کھولت سن و کسالت‌هایی که گاهی اوقات عارض می‌شود به ایشان عرض کردم حالا مردم آمدند و رأی دادند و بعد از ۵ - ۶ ماه دیگر ما ناله و انالیه راجعون، آیا واقعاً شرعاً مسؤول نیستیم؟ اگر حتی یک احتمال بسیار ضعیف وجود داشته باشد و بودجه‌ای هم در این رابطه خرج شود. خانم مصطفوی فرمودند شما اگر احساس بکنید که می‌توانید کاری انجام بدهید تکلیفتان است. آن نماینده‌ای که انتخاب می‌شود بیماری ندارد می‌رود در خیابان، ماشین به او می‌زند و از بین می‌رود. واقعاً اینها سنایی بود که من را به فکر واداشت. در عین حال که مقداری آمادگی پیدا کردم. بنا را بر استخاره گذاشتم و مشخص شد. ما وظیفه خودمان را انجام دادیم. این بستگی دارد که ملت و مردم چه باید بکنند. من در همدان هم این نکته را چندین بار در جلسات مختلفی که با دوستان بوده است مطرح کردم. گفتم ما کاره را بر پشتیمان گذاشتیم. آماده‌ایم که این بار را بگذارید روی پشتیمان، اگر هم نگذاشتید ما تکلیف شرعی خودمان را انجام داده‌ایم و می‌رویم دوباره، کارمان را در جمعیت زنان انجام می‌دهیم. اما آیا مطالب یا مسائلی در ذهنم بوده است که واقعاً فکر می‌کردم می‌توان کاری کرد و دوباره به میدان آمدنم، بر این مینا بوده است فکر می‌کنم هر کدام از ما در این جامعه، با این موقعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی که داریم، همه ما این احساس را داریم که بالاخره یک سری کارهایی است که امکان انجام آن است.

منتهی شاید لازم است چرایی زده بشود، شاید لازم باشد یک هشداری داده بشود، شاید لازم باشد یک تجمع فکری چند نفره‌ای بشود تا یک مشکلی یا یک معضلی را حل کرد. به نظر می‌رسد خیلی از مسائلی را می‌توان در مجلس، با یک هماهنگی و همفکری حل کرد. مخصوصاً نظام برابری حقوق را پیاده کرده، که یک مهندس در اداره یا وزارتخانه‌ای کار می‌کند و حقوق ماهی ۱۲۰۰۰۰ تومان می‌گیرد ولی شخص دیگری با همین تخصص، در یک شرکت دیگر ۵۰۰۰۰ تومان می‌گیرد. خود این مشکلات، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی را بوجود می‌آورد و معضلاتی را هم به دنبال دارد که امیدواریم انشاء... مجلس پنجم بتواند روی این قضایا مقدار بیشتری سرمایه‌گذاری بکند.